

«تن نور» کتابی با طعم عشق و جنگ



فاطمه شعبانی

جدیدترین رمان «حسین قربانزاده خیای» با عنوان «تن نور» در انتشارات سوره مهر به چاپ رسید. رمان پیش از جنگ تحمیلی آغاز می شود، در ادامه با جنگ گره می خورد و پیش می رود. داستان درباره پسری اهل آذر بایجان به نام «آراز» است. پدر آراز تکاور نیروی دریایی ارتش است که بعداز مرگ همسرش مجبور می شود پسرش را با خود به خرمشهر ببرد و او را به یکی از دوستانش بسپارد. گرمای خطه جنوب واز طرفی فقدان مادر پسر را آزار می دهد. «نجمه» دختر میزبان سعی دارد از نگاه آراز پرف و کوهستان را بشناسد و او را با نخل و گرما آشتی دهد. این ارتباط باعث سازگاری آراز با محیط می شود، اما شروع جنگ تحمیلی اتفاقات را به شکل دیگری رقم می زند. گفت وگویی ما را با قربانزاده بخوانید.

رها کشاورز

«صبح اعدام» فیلم بی نقصی نیست وافخمی می توانست یک ساعت و نیم قبل از اعدام دو مبارز علیه رژیم طاغوت پهلوی را بهتر به تصویر بکشد، اما جرئت و جسارت رفتن به دل واقعهای خاص و تاریخی و به زبان فیلم و دور از شعارزدگی از قهرمانان مردمی گفتن، قابل تأمل و تقدیر است.

□ □ □

«۶:۳۰ صبح سال ۱۳۴۲ شمسی، سربازها آماده‌اند برای تیرباران، دو نفر به تیرک بسته شده و چشم‌پند دارند».
او که «طیب» صدایش می‌کنند، به سربازی می‌گوید به آن سید بگو «خیلی‌ها شما را دیدند و خریدند، ما شما را ندیده، خریدیم.»
آن یکی بسته شده به تیرک، حاج اسماعیل رضایی است، قبل از تیرباران و در آخرین لحظه به عکاسان حاضر در مراسم اعدام می‌گوید: «ای عکاس‌ها، عکس ما را بگیر، اینها سندن روسفیدی ما در روز قیامت خواهد بود.» ناگهان صدای چکاندن ماشه و فلاش دوربین‌ها همزمان می‌شود.

این جملات که از پیش چشمتان گذشت، روایتی کوتاه و مستند از لحظات پایانی زندگی و اعدام طیب حاج‌رضایی و اسماعیل رضایی دو نفر از مبارزان زمان رژیم پهلوی است.

اما آنها که بودند؟ اولی طیب بود؛ طیبی که لوطی بود و لوطی‌گری داشت، البته دعواکار هم بود و حرفش را باید همه می‌خواندند، ولی خصلت‌های اضافهای هم داشت که همان‌ها نجاتش داد.
و آن رفیق جوان ترش، محمد اسماعیل رضایی در قضیه بستن شرکت پستی کولامتعلق به بهایی‌ها و تأسیس مسجد صاحب‌الزمان (عج) نقش اول را داشت و رژیم پهلوی کینه‌اش را به دل گرفت و بالاخره او را همراه رفیق شفیقش طیب حاج‌رضایی برای واقعه ۱۵خرداد دستگیر و محکوم به اعدام کرد، اما از ساعت ۵:۳۰ تا شش آن صبح سرنوشت‌ساز اعدام چه شد و بر این دو نفر چه گذشت، سؤالی که بیشتر از همه ذهن بهروز افخمی این فیلمساز قصه‌گور با خود مشغول کرد.



سیدعلی مددزیدی

بعضی شهرها بوی تاریخ می دهند، یعنی همین که هوایش را به ریه می‌نشانی و آیش را به جگر، ورق ورق تاریخ است که در آن از جلوی چشمت می‌گذرد، بی‌آنکه تاریخ‌دان باشی یا تاریخ‌خوان. دزفول هم از همین دست یلاد است. کافی است یکبار در حرارت جان سیرخ‌کن تابستانش، ساق پا در دز رود بزی و همزمان که آب استخوان ترکان با سرمایش پایت را نوازش می‌دهد، نگاهت را قفل کنی به دژ پل تا این جمله به جانت بنشیند: دزفول یک ورق از تاریخ ایران است... حال که شهر صفحه کتاب تاریخ می‌شود، دیگر ممکن نیست سر به اهالی بزی واز شهر نگویی، البته پرواضح است که مقصود از شهر همه آنی است که در یک مرز نفس می‌کشند اعم از جاندار و بی جان.

دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری استان خوزستان هم

آشنایی با فضا

قربانزاده را به عنوان نویسنده نوجوانان می‌شناسند این‌بار در رمان «تن‌نور» جنگ را با فضای نوجوانی گره زده است. وی درباره نگارش این رمان می‌گوید: «این کتاب در قالب رویداد خانه‌ام خرمشهر (شش کتاب یک شهر) نوشته شده و به همراه تعدادی از نویسندگان چند روز خرمشهر بودیم برای آشنایی با لوکیشن قصه، شهر و مناطق جنگی را از نزدیک دیدیم. با بومیان خرمشهر صحبت کردیم. با تحقیقات میدانی و مطالعه کتاب‌ها و خاطراتی که درباره خرمشهر نوشته شده بود با فرهنگ و سنت مردم جنوب بیشتر آشنا شدیم و این خیلی برای نوشتن کتاب و در آوردن فضا کمک کرد. رمان حاصل تخیل است، اما ریشه در واقعیت دارد.»

دنیای نوجوانان

قربانزاده خیای پیش از این با کتاب‌های «رد انگشت‌های اصلی» و «صلیب سلمان» از انتشارات سوره مهر شناخته شده است. صلیب سلمان رمان نوجوان بود که مورد استقبال خوب مخاطبان هم قرار گرفت. وی با بیان اینکه ۲۵ سال است به عنوان مربی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان فعالیت می‌کند، توضیح می‌دهد: «بچه‌ها و نوجوانان را از نزدیک می‌شناسم و از دغدغه‌هایشان باخبرم، به نوجوان‌ها نزدیکم و آنها را خوب می‌فهمم و در کشان می‌کنم. کتاب‌هایی که تا به حال نوشته‌ام همه برای این رده سنی بوده است. مخاطب رمان‌ها یم بیشتر بچه‌های کتابخوان هستند که توانایی ارتباط با آثار کمی پیچیده و سخت‌خوان را داشته باشند.»

دغدغه

قربانزاده در «تن‌نور» به دغدغه‌ها و مشکلات نوجوانان در مواجهه با مقوله‌هایی مانند جنگ، فقدان، عشق و مرگ می‌پردازد. نویسنده کتاب در پاسخ این سؤال که نویسنده‌ای که برای نوجوان می‌نویسد تا چه حدی دستش باز است درباره این مسائل بنویسد، توضیح می‌دهد: «به عنوان کسی که هر روز با کودکان و نوجوانان سرو کار دارم و از دغدغه‌هایشان باخبر هستم، معتقدم باید نوجوان‌ها را با عشق آشنا کنیم، هر چند برخی این را قبول ندارند، اما اگر نویسندگان ایرانی از عشق‌نگویند، اطمینان داشته باشیم نویسنده‌های خارجی این کار را خواهند کرد، نوجوان‌ها نیازمند شنیدن از عشق هستند، برایشان جذابیت دارد و به سوی عشق و عاشقی کشیده می‌شوند. پس باید آن را درک کنند، اگر نویسنده ایرانی برایشان این خوراک را ندهد کتاب‌های ترجمه اینها را در اختیارش قرار می‌دهند. راز و رمز عشق

به گفته قربانزاده ادبیات کودک و نوجوان کشورمان در حوزه کتاب‌های علمی، تخیلی جا برای کار دارد بچه‌ها حق دارند هر نوع کتاب اعم از ژانر ترس، طنز، فانتزی، تاریخی، خیالی یا ژانل را برای خوانش انتخاب کنند. پس نویسندگان و ناشران ایرانی باید به این انتخاب‌ها احترام بگذارند و اثر ارائه کنند

شرقی و ایرانی وجهه‌های انسانی و معنوی دلنشینی دارد و بسیار سازنده است، سالم و دوست‌داشتنی، پس نباید کودکان و نوجوانان خودمان را از آن محروم کنیم. عشق ایرانی که در ادبیات کهن ما هم هست خیلی لطیف و نجیب است، اگر ما این را نگوییم بچه‌ها عشق‌های بی‌قاعده غربی را یاد می‌گیرند. من اعتقاد دارم باید برای نوجوانان از عشق بنویسیم و رابطه‌های عاشقانه که در ادبیات کهن ما موجود و متناسب با فرهنگ خودمان است را منتقل کنیم، غیر از عشق بچه‌ها باید از طریق ادبیات با جنگ ژانر وحشت و فراق آشنا شوند. متأسفانه بچه‌های ما جنگ جهانی دوم را خیلی بیشتر از جنگ تحمیلی می‌شناسند، چون فیلم‌های زیادی در این باره دیده و داستان‌های زیادی خوانده‌اند. اگر ما درباره جنگ به بهترین حالت ننویسیم بچه‌ها درک درستی از آن نخواهند داشت.»

وی اضافه می‌کند: «گاهی از بچه‌ها می‌پرسم آیا دو

تن‌نور رمانی عاشقانه است که وقایع آن در بستر جنگ اتفاق می‌افتد. دختری به نام نجمه، دختری وابسته به طبیعت بومی و نمونه یک دختر آگاه ایرانی، بومی و نمونه یک دختر آگاه ایرانی، در کنار یک پسر ترک، لر و عرب پر از امید و آرزو در آتش جنگ هیل داده می‌شوند. نوجوان‌هایی که برای به دست آوردن دل نجمه تلاش می‌کنند، حالا باید برای حفظ جان او بکوشند

کودک ایرانی می‌تواند دنیا را از نابودی نجات دهند؟ می‌گویند، نه، اما معتقدند نوجوان اروپایی یا آمریکایی می‌توانند موجب نجات جهان شوند. من در کتاب «گریز از سال صفر» نشان داده‌ام دو نوجوان دختر و پسر ایرانی دنیا را از نابودی نجات می‌دهند.»

مشاور نوجوان

«تن‌نور» رمانی عاشقانه است که وقایع آن در بستر جنگ اتفاق می‌افتد. دختری به نام نجمه، دختری وابسته به طبیعت بومی و نمونه یک دختر آگاه ایرانی، در کنار یک پسر ترک، لر و عرب پسر از امید و آرزو در آتش جنگ هل داده می‌شوند. نوجوان‌هایی که برای به دست آوردن دل نجمه تلاش می‌کنند، حالا باید برای حفظ جان او بکوشند. نجمه‌ای که همه چیز برایش زبان باز می‌کند و حرف می‌زند از نخل و پرنده‌ها گرفته تا کارون و خرمشهر، زمانی که خرمشهر را صدا می‌زند و می‌گوید، خرمشهر ای بانوی تن‌نور.» وی با بیان اینکه نوشتن این کتاب حدود یک‌سال طول کشید، ادامه می‌دهد: «وقتی کتابم را می‌نویسم چون به نوجوانان کتابخوانی دسترسی دارم، می‌دهم تعدادی از بچه‌ها قبل از انتشار کتاب را بخوانند، بعضی نظرات‌های خوبی می‌دهند که اعمال می‌کنم. انتظار دارم استقبال خوبی از تن‌نور خواهد شد.»

مظلومیت تألیف

به گفته قربانزاده ادبیات کودک و نوجوان کشورمان در حوزه کتاب‌های علمی، تخیلی جا برای کار دارد. بچه‌ها حق دارند هر نوع کتاب اعم از ژانر ترس، طنز، فانتزی، تاریخی، خیالی یا ژانل را برای خوانش انتخاب کنند. پس نویسندگان و ناشران ایرانی باید به این انتخاب‌ها احترام بگذارند و اثر ارائه کنند. وضعیت کتاب در کشورمان زمانی بسامان می‌شود که ما مخاطب کتاب را تربیت کنیم. مخاطب کتاب باید مثل مخاطب فیلم و تئاتر تربیت شود. بچه‌ها باید آموزش ببینند تا توانایی انتخاب کتاب و چگونگی مطالعه را به دست آورند. این خلأ در کشور ما وجود دارد که بچه‌ها یاد نگرفته‌اند چطوری و چه کتابی بخوانند. انتشاراتی هستند که انواع و اقسام کتاب‌های خارجی را ترجمه می‌کنند و در اختیار مخاطبان نوجوان قرار می‌دهند که همه مناسب نیستند. در کشور ما تألیف رمان مظلوم است، حمایت چندانی دیده نمی‌شود، ناشر رمان‌های ایرانی تبلیغ خوب و گسترده ندارند در حالی که هم‌کثون آثار خوبی در ژانرهای مختلف نوشته و چاپ می‌شوند، اما همچنان نوجوان‌های ما احساس می‌کنند کار‌های خارجی قوی‌تر هستند، در این مورد باید آگاهی بیشتری شکل بگیرد.

«صبح اعدام»ی که روایتی مستندگونه دارد و سیاه و سفید است. شاید نسخه کوتاه شده‌اش جذاب‌تر از آب درمی‌آید و در صورت حذف بخشی از تک‌گویی‌های طولانی زانانه فیلم سراسر است‌تر می‌شد، اما موسیقی منحصر به‌فرد، مر موز و خیال‌انگیز «صبح اعدام» نقطه عطف روایت فیلم است

آب در آمد‌هاند و باز یگران اصلی اگر چه چهره‌های مشهور سینمایی نیستند، اما توانسته‌اند کاراکترهایی فراتر از تیپ خلق کنند و شمایل

معنوی، مردمی و نترس این دو نفر را به تصویر در آورند. البته از تیپ به شخصیت رسیدن این کاراکترها، سیری طولانی داشته و خوش رزم در این‌باره گفته به جهت منابع محدود او و بهروز افخمی، هشت ماه روی شخصیت حاج اسماعیل تمرین کردند تا شخصیتی باورپذیر از آن ارائه دهند.

صد البته در آوردن شخصیت طیب هم که جای خود داشته برای تمرین و به نتیجه رسیدن.

بخش روشن دیگر این فیلم نورپردازی و دکوپاژ افخمی است که کار را از لحاظ زیبایی‌شناسی ارتقا داده و البته این جنبه تا حدود زیادی در راستای فیلمنامه و در خدمت آن است.

با این حال، «صبح اعدام» فیلمی بی نقص نیست وافخمی می‌توانست، یک ساعت و نیم قبل از اعدام دو مبارز علیه رژیم طاغوت پهلوی را بهتر از این حرف‌ها به تصویر بکشد، اما جرئت جسارت رفتن به دل واقعهای خاص و تاریخی و از قهرمانان مردمی گفتن و نوعی خاص از روایت را پیش گرفتن، قابل تأمل و تقدیر است و همین‌ها «صبح اعدام» را بر خلاف عنوان سختش دیدنی می‌کند.

کتاب «شهید پیشرو» مجموعه خاطرات درباره یک روحانی مبارز دزفول در صفحات تاریخ

مؤلفه‌های تاریخ شفاهی سعی کرده است به خوبی سیره حیات و مبارزات و فعالیت‌های این شهید والامقام را به تصویر بکشد. «همان گونه که از مقدمه کتاب برمی‌آید، پروژه تألیف را یک اهل تاریخ با روشنی تاریخی به دوش کشیده است. البته در مسیر تهیه مصاحبه‌ها و... افراد دیگری نیز دخیل بوده‌اند، ولی ظاهراً کلیت کار، محصول قلم جناب در کتانیان بوده که اثر تاریخ شفاهی است و خیلی سفت‌وسخت مخاطبش را با آغوش تاریخ پیوند می‌زند. بخش قابل توجهی از خطوط کتاب را متن پیاده شده مصاحبه‌ها پر کر ده‌اند و اگر حجم متون، پر اشعار، منابع و عکس‌ها را هم در کنار متون پیاده شده در نظر بگیریم، عملاً جز در ایجاد خط و ربط‌ها و شرح و پیوست‌ها، قلم نویسنده در کل کتاب دیده نمی‌شود. روند پیشروی روایت تا آنجا که راه داشته، مقید به

دزفول را با یگانی تاریخ بیرون بکشد و با نفسی عمیق هر چه غبار رویش نشسته را ببرد و تحویل اهلس بدهد. «شهید پیشرو» مجموعه خاطراتی است حول شخصیت روحانی شهید عبدالحسین سبحانی از مبارزان پیش از انقلاب که به قلم غلامرضا در کتانیان

اثر روشن بشود، مرور چند خطسی از مقدمه خالی از لطف نیست: «کار مطالعه، پژوهش، تدوین و نگارش این اثر از سال ۱۳۹۶ تا سوب دکتر غلامرضا در کتانیان آغاز شد. ایشان از دانش‌آموختگان رشته تاریخ و از پژوهشگران فرهیخته استان است که آثار متعدد دیگری نیز در کارنامه ایشان قابل مشاهده است. ایشان با استفاده از مطالعات تاریخی و همچنین



جشنواره شعر فجر و حکایت یک «دل‌بستگی»

سمیه دهقان زاده

جشنواره بین‌المللی شعر فجر را می‌توان بزرگ‌ترین رقابت در بخش شعر میان شاعران کشور دانست. رویدادی که تاکنون فراز و فرودهای زیادی را طی کرده، اما توانسته است استعداد‌های درخشان بسیاری را شناسایی و به جامعه ادبی معرفی کند و این دوره نیز دل به دل «دل‌بستگی» حسین دهلوی داده است؛ مجموعه شعری لطیف از شاعری دقیق و خوش قریحه.

جشنواره بین‌المللی شعر فجر که شاید کمتر از فیلم و تئاتر فجر برای مردم نام آشنا باشد، از سال ۱۳۵۸ شرایط ظهور و بروزش فراهم شد که در آرامش وطمأنینه‌ای شاعرانه و هنرمندانه به تعالی و ارتقای شعر امروز بپردازد. علیرضا غزوه، درباره آغاز این رویداد فرهنگی – هنری اینطور می‌گوید: «شعر، سرمایه اولیه ما ایرانیان است و ما را همچون بزرگ‌ترین رقابت در بخش شعر میان شاعران بزرگی در هر کدام از شهرهای ایران با نام شاعران و بزرگان ما زینت یافته است. جشنواره شعر فجر نیز درست ۱۸ سال پیش، زمان وزارت صفارهرندی تأسیس شد، آن زمان با ۲۰ نفر از شعرا به ترکیه سفر کرده بودیم و جلسات مستمری داشتیم تا بتوانیم پایه و اساس این جشنواره را طرح‌ریزی کنیم. در دوره نخست از ۳۰ استان، بزرگان و پیشکسوتان حوزه شعر مرحوم اخوان ثالث، صفارزاده، قیصر امین‌پور و... انتخاب و تجلیل شدند. این جشنواره که به این کم و کیف شروع شد، هر ساله علاوه بر هم‌سخنی با شاعران مطرح معاصر ایران با هدف معرفی و شناخت شاعران جوان کشورمان و گسترش همدلی و هم‌زبانی با پارسی‌گویان سراسر دنیا بر گزار می‌شود. در حقیقت، جشنواره بین‌المللی شعر فجر را می‌توان بزرگ‌ترین رقابت در بخش شعر میان شاعران کشور دانست. رویدادی که تاامروز فراز و فرودهایی را طی کرده، اما توانسته است استعداد‌های درخشان فراوانی را شناسایی و به جامعه ادبی معرفی کند. جشنواره‌ای که این روزها هجدهمین دور‌اش نیز بر گزار شد و در آن آثاری که برای نخستین‌بار در سال ۱۴۰۱ به زبان فارسی و با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در داخل کشور منتشر شده بودند در سه گروه ادبی مجموعه شعر بزرگسال (شعر کلاسیک، شعر نو و شعر مجاوره)، شعر کودک و نوجوان و درباره شعر (پژوهش‌های حوزه شعر) با هم رقابت کردند، داوری شدند و هر بخش برگزیده‌های خود را شناخت. در این بین حسین دهلوی که پیش از این در جایزه قیصر امین‌پور با کتاب آشفتنی‌اش برگزیده شده بود، این بار با مجموعه غزل «دل‌بستگی» از سوره مهر به عنوان برگزیده بخش شعر بزرگسال هجدهمین دوره جشنواره بین‌المللی شعر فجر شناخته شد. از این رو بگ و وقتی کوتاه با این شاعر جوان و خوش قریحه داشتیم که در ادامه می‌آید:

کم است حوصله و رنج و درد بسیار است به هر که می‌نگرم چون خودم گرفتار است/اگر رقیب برایت هنوز محترم است عجیب نیست... خداوند‌گار ستار است/تو را در دست ندیدم سرر قرار بخش که هر چه می‌کنم از اشک مردم آزار است/مرا به کار نیامد هزار فضل و هنر همیشه میوه برای درخت‌ها «بار» است/ بگو که مرگ مرا زودتر رقم بزند که عمر خواب عمیقی به من بدهکار است

این غزل، از شعرهای آغازین کتاب «دل‌بستگی» است و وقتی از حسین دهلوی سراغ دوست‌داشتنی‌ترین شعرش را در این مجموعه می‌گیریم، این‌س غزل را می‌خواند. وی درباره کتاب شعر دل‌بستگی می‌گوید: این کتاب مجموعه شعری از ۳۸ غزل عاشقانه و آیینی است.البته بعد عاشقانه آن پرتنگ‌تر است و آنها را در سبک شعر معاصر سروده‌ام. دهلوی در ادامه درباره پیش‌بینی برگزیده شدن در جشنواره شعر فجر می‌گوید: من قبلاً در جایزه قیصر امین‌پور با کتاب آشفتنی برگزیده شده بودم، اما آنجا رویکرد جوانگرایی بود و قابل پیش‌بینی‌تر، ولی فکر نمی‌کردم که این رویکرد در جشنواره شعر فجر هم وجود داشته باشد و مجموعه شعر دل‌بستگی‌ام برگزیده شود. این برگزیده هجدهمین جشنواره شعر فجر، در خصوص انتخاب عنوان «دل‌بستگی» اینطور توضیح می‌دهد: شعرهای این کتاب را از سال ۹۷ تا ۱۴۰۰ سرودم. کتاب قبلی‌ام آشفتنی بود و بعد از آن با همسرم آشنا شدم و بعد ازدواج کردم و با خودم گفتیم اسم این کتاب را دل‌بستگی می‌گذارم و آنجاشم داده و چه سیر جالبی دارد آثار این شاعر، حتی در غزلون و از مجموعه شعر آشفتنی به دل‌بستگی رسیده و غزل‌هایی لطیف سروده که خیال را به پرواز درمی‌آورد و چه خوب‌تر که این سروده‌ها در جشنواره شعر فجر که دارد به روزهای اوج خود می‌رسد، برگزیده شده و این جوانگرایی و تأمل هر چه بیشتر در آثار قابل تقدیر است.